



An Analysis of the Spiritual, Psychological, and Socio-Political Factors Accelerating the Advent of Imam Mahdi (PBUH) from the Perspective of Imam Khamenei

Dr. Mahdieh Alavi far ¹

Abstract

A fundamental pillar of the doctrine of Mahdism is the teleological and collective movement of the Islamic Ummah toward transcendental objectives. Within this framework, active expectation functions as a transformative catalyst that gradually reduces global oppression and ignorance while fostering a society illuminated by divine guidance and justice. This paradigm facilitates a structural transformation in the global order and redirects relationships based on domination and subordination toward the realization of the divine vicegerency (istikhlāf ilāhī) of the oppressed. Employing a descriptive–analytical method, this study examines the factors accelerating the Advent based on the thought of Imam Khamenei. The findings indicate that the concept of green expectation—grounded in ontological hope, comprehensive individual and social reforms, and the implementation of divine geometry within the paradigm of political Islam—functions as a strategic catalyst for a civilizational transition from a state of expectation to the establishment of the Mahdist era. Consequently, this transition signifies a historical shift from systemic injustice toward a global order founded upon security and justice.

Keywords: Ontological Hope, Political Islam, Social-Ethical Reforms, Mahdism, Imam Khamenei, Divine Geometry

1. Assistant Professor, Faculty Member, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran (Mahdeihalavyfar@uk.ac.ir)

تحلیل عوامل معنوی، روانی و سیاسی - اجتماعی تسریع کننده ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از منظر امام خامنه ای

مهدیه علوی فرا^۱

چکیده

رکن بنیادین دکتربین مهدویت، حرکت غایت شناسانه و جمعی امت اسلامی به سوی اهداف متعالی است. در این چارچوب، «انتظار فعال» به عنوان یک کاتالیزور تحول آفرین عمل می کند که به تدریج از ستم و جهل جهانی می کاهد و در مقابل، جامعه ای آراسته به نور الهی و عدالت را پرورش می دهد. این پارادایم، یک تغییر ساختاری در نظم جهانی را تسهیل کرده و مسیر روابط مبتنی بر سلطه گری و سلطه پذیری را به سوی تحقق «استخلاف الهی» مستضعفان تغییر می دهد. این پژوهش با بهره گیری از روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی عوامل تسریع کننده ظهور براساس اندیشه امام خامنه ای می پردازد. یافته ها حاکی از آن است که مفهوم «انتظار سبز» - که بر پایه امید هستی شناختی، اصلاحات جامع فردی و اجتماعی، و پیاده سازی «هندسه الهی» در پارادایم اسلام سیاسی استوار است - به عنوان یک کاتالیزور راهبردی برای گذار تمدنی از وضعیت انتظار به استقرار دوران مهدویت عمل می کند. در نتیجه، این گذار نشان دهنده تغییری تاریخی از بی عدالتی نظام مند به سوی نظامی جهانی مبتنی بر امنیت و عدالت است.

واژگان کلیدی

امید هستی شناختی، اسلام سیاسی، اصلاحات اجتماعی - اخلاقی، مهدویت، امام خامنه ای، هندسه الهی.

مقدمه

فرج نهایی با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای بشریت حاصل می شود، و معنای حقیقی زندگی با آمدن نور حق آغاز می گردد. در روایتی که ابن اسباط از حسن ابن جهم از حضرت موسی بن جعفر عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره فرج می پرسد، امام در پاسخ، انتظار فرج را، با فرج برابر فرض نمودند «أَوَلَيْسَتْ تَعْلَمُ أَنَّ انْتِظَارَ الْفَرَجِ مِنَ الْفَرَجِ قُلْتُ لَا أَذْرِي إِلَّا أَنْ تُعَلِّمَنِي فَقَالَ نَعَمْ انْتِظَارُ

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (Mahdeihalavyfar@uk.ac.ir).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۳

الْفَرْجِ مِنَ الْفَرْجِ» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۵۹). سؤالی که مطرح می‌شود که چگونه با وجود این که حضرت مهدی علیه السلام در غیبت است، منتظران فرج، فرج برای ایشان حاصل می‌شود؟ به تعبیر دیگر منتظران ظهور با تمسک به کدامین عوامل منجر به تسریع در ظهور می‌شوند؟ جناب نصیرالدین طوسی به خوبی این مسئله را تبیین می‌کند که وجود و تصرف امام از الطاف الهی نشأت می‌گیرد، و غیبت و محرومیت از وجود امام از پیامدهای سوء رفتار بشر است. «وجوده لطف، و تصرفه [لطف] آخر، و غیبتنه مئاً» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۲۱) از این کلام چنین استنباط می‌شود؛ چنان که اعمال ناشایست بشر منجر به غیبت امام شده، از آن سو اقدامات اصلاح‌گری و زمینه‌ساز، نوید ظهور موعود و منجر به تسریع آن می‌شود. باید دانست که افتخار مدال انتظار حقیقی تنها نصیب کسانی می‌شود که قبل از دوران ظهور، زمینه را برای حکومت آرمانی مهدوی مهیا نمودند، ایشان دست روی دست نگذاشته و در کنجی زانوی غم را به بغل نگرفته، بلکه با تمام نیرو با جان و مال خویش مجاهدت کرده، و بدین طریق مقام و درجه فضل و فضیلت را اکتساب کردند «...وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا...» (نساء: ۹۵).

به تعبیر دیگر عوامل تسریع‌کننده ظهور و زمینه‌ساز حکومت آرمانی حضرت مهدی علیه السلام، عبارت از آمادگی و ایجاد مقدمات ظهور است، یعنی در بُعد اعتقادی و عملی ظرفیت‌ها چنان اوج بگیرند؛ که سبب تعجیل در ظهور شود، و اهمال در برابر آن باعث تاخیر در ظهور و حکومت آرمانی می‌شود (آیتی، ۱۳۹۰، ص ۳).

چنان که می‌دانید در دستگاه فکری مقام معظم رهبری انتظار ذومراتب است، فرج نهایی در آخرالزمان رونمایی می‌شود، ولیکن برای رسیدن به فرج نهایی باید مراتب زیرین فرج همچون امید، اصلاحات فردی و اجتماعی و حاکمیت اسلام سیاسی دست یافت، تا امکان رسیدن بشر به آینده موعود فراهم شود، و این عین پیروزی و فرج است. مهم این است که بشریت گام به گام خود را به فرج نهایی نزدیک نماید. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

همین که امر الهی، عزم و اقدام الهی، قدم به میدان بگذارد، بافته‌های طاغوتی به خودی خود کنار زده می‌شوند «فاذا دخلتموه فانکم غالبون» (مائده: ۲۳) (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸/۰۶/۱۳).

فتح و پیروزی مشروط به این است که در مدخل منتظران آخرین حجت الهی صادقانه

داخل شویم و صادقانه از هر گونه سستی و خیانتی و پشت کردنی خارج شویم، در آن صورت در محضر یگانه سلطان منصور هستی حضرت بقیه الله الاعظم به اذن الهی وارد می‌شویم. «قُلْ رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَّاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَّاجْعَلْ لِّيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا» (اسراء: ۸۰) نشانه صدق ورود در دایره منتظران، مترصد بودن و مترقب بودن وقایع داخلی و خارجی، به تعبیر دیگر بصیرت داشتن نسبت به چیدمان روند حرکت تکاملی تاریخ است. و در عین حال انتظار توأم با احساس تعهد و تکلیف است.

بعد از تتبعی که در آثار مهدویت انجام شد، معلوم شد تاکنون پژوهشی با این عنوان صورت نگرفته است. از امتیازات پژوهشی این مقاله نگاه فعالانه و حداکثری به انتظار است، یعنی؛ همان تشکیل حاکمیت دینی از منظر آیت الله خامنه‌ای است. برخلاف سایر پژوهش‌ها که معمولاً نگرشی منفعلانه و نگاه حداقلی به دین دارند، یعنی خلاصه نمودن انتظار در بُعد فردی و فقط تکیه بر دعا و ندبه... می‌نمایند.

از منظر مقام معظم رهبری پرداختن به موضوع مهدویت و انتظار و تلاش برای نزدیک شدن ظهور از دو جهت ضروری است. اولاً: آشنایی و انس دل‌ها با مقوله‌ی مهدویت و درک محسوس‌تر حضور آن بزرگوار و تقویت رابطه با آخرین حجت خدا، برای دنیای ما و برای پیشرفت ما به سمت آن اهداف بهتر خواهد بود. (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸) ثانیاً: مسئله‌ی انتظار جزء لاینفک مسئله‌ی مهدویت است، از کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی، عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

لازمه‌ی پیشرفت، حرکت به سوی اهداف متعالی دنیوی و اخروی است، اما؛ هرگز بشریت با حرکت‌های کند و توأم با سکون نمی‌توانند به مقصد نائل گردد، بدین جهت برای رسیدن به قله‌ی هستی و زمان ظهور، ضروری است به عواملی که به حرکت منتظران در دوران غیبت سرعت می‌بخشند، پرداخته شود. این عوامل عبارت از: یک امید، امید به آن که در نهایت حق بدون رقیب در جهان حاکم خواهد شد. ولیکن شرط تحقق این امر مستلزم داشتن امید راستین توأم با عمل است، که جامعه را به سمت تعالی و پیشرفت به حرکت درمی‌آورد. باور به توانستن، اعتقاد به امدادهای غیبی و نگاه و لطف حضرت مهدی (عج) به صورت فزاینده‌ای امید را گسترش می‌دهد، و منجر به گشایش بن‌بست‌ها و نزدیک شدن فرج است. دو اصلاحات فردی و اجتماعی، صالحین با جهاد اصغر و جهاد اکبر زمینه تحقق جامعه مهدوی را فراهم

می‌کنند، بدین نحو که در مبارزه با نفس توانایی ایجاد ملکه تقوا، یعنی ملاحظه نمودن قدرت‌های غیرخدایی را در گستره فردی و جمعی ایجاد می‌نمایند، در نهایت رهاورد این چنین نگرشی عین پیروزی است. البته اصلاحات فردی در گرو تشخیص و بصیرت نسبت به وظایف مصلحانه به وسعت جهان است.

و در آخر حاکمیت هندسه الهی و حکمرانی سیاسی الهی است، یعنی؛ زمینه حکمرانی اسلام را در ابعاد گوناگون همچون سیاست، مدیریت و اقتصاد... در جامعه فراهم شود، تا جایی که الله حاکم بر جامعه و جهان شود. به تعبیر دیگر شاخصه‌ی اسلام سیاسی، نظام اسلامی مبتنی بر نقش خداست، که ملت ایران به رهبری امام خمینی اولین گام را برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور حضرت مهدی موعود برداشت.

عوامل تسریع به سمت دوران مهدویت

گشایش از کار فرو بسته بشر یک حرکت دائمی به هم پیوسته لازم دارد، که از قبل از ظهور آغاز می‌گردد، و تا قیامت این صبرورت الی الله ادامه دارد، رسیدن به مقصد به صورت حرکت دفعی اتفاق نمی‌افتد، بلکه حرکتی تدریجی و مستمر است. با این تفاوت که با ظهور امام این حرکت سرعت می‌گیرد «وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ...» (آل عمران: ۱۳۳) چرا که امام از جنس نور است. منتظری که به دریای نور امام وصل شود، و سخנית با نور پیدا کند؛ در ظل نور امام، حرکتی به سرعت نور می‌یابد. چنان که در ذیل آیه شریفه «يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ» (حدید: ۱۲) روایتی از امام صادق (ع) است، آن نوری که مؤمنین در روز قیامت در پیش روی آنان و سمت راست‌شان هست، نور ائمه مؤمنین است که تلاش می‌کنند تا آنان را در منازل اهل بهشت جای بدهند (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص. ۲۸۴). البته بهره‌مندی مؤمنین از نور امام در قیامت مشروط به آن میزان نوری است، که مؤمنین در دنیا از شعاع نور امام استفاده کردند.

بشریت برای اتصال به نور در آخرالزمان از پستی و بلندی‌ها، از ناهمواری‌ها، باتلاق‌ها عبور می‌کند، همین‌طور این راه را طی می‌کند تا به اتوبان برسد؛ این اتوبان، دوران ظهور حضرت مهدی (ع) است. این چنین نیست به محض رسیدن به مقصد یک حرکت دفعی انجام بگیرد و بعد هم تمام بشود؛ نه، آن جا یک مسیر به سوی صراط مستقیم است. که بشریت را به مقصد آفرینش می‌رساند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۰۳/۲۱).

منتظران فرج در حرکت تدریجی در مسیر اتوبان مهدویت نیاز به عوامل تسریع بخش دارند؛ که همچون کنشیارهایی به صورت فزاینده‌ای بشر را به ظهور نزدیک می‌کنند. نه آن که زمانی آهسته و یا از حرکت بایستند، که سکون در حرکت چه بسا منجر به سیر قهقرایی جبری و یا حتی منجر به بداء و تأخیر در ظهور شود. این عوامل عبارتند از:

۱. امید

امیدوار بودن اولین موتور سرعت بخش انتظار است. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «انتظار، یعنی بدون هیچ شک و تردیدی، دل سرشار از امید نسبت به پایان راه زندگی بشر باشد، درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که دشمن می‌خواهد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰)، در ضرورت این مرتبه همین بس که امید همچون روحی در جان منتظر ساری است، که می‌تواند تا بی‌نهایت، با شوق و امید حرکت بکند. زیرا نسبت به آینده قطعی اطمینان دارد.

انتظار مؤمن در مرتبه اول، یعنی امید به آن که یک روزی تفکر الهی و یاران جبهه حق بدون رقیب در جهان حاکم هستند. اکنون چنین مسلماتی از منظر اسلام نسبت به آینده وجود دارد، باید منتظران روح انتظار را به تمام معنا در خود زنده کنند. یعنی این که امید داریم که با تلاش و مجاهدت و پیگیری، این دنیایی که به وسیله‌ی دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور و طغیان و ضعیف‌کشی و نکبت حاکمیت ستمگران و قلدران و زورگویان پُر شده است، یک روز به جهانی سرشار از انسانیت و ارزش‌های انسانی تبدیل خواهد شد که در آن ستمگر و زورگو و ظالم و قلدر و متجاوز به حقوق انسان‌ها، فرصت و جایی برای اقدام و انجام خواسته و هوی و هوس خود، پیدا نخواهد کرد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱).

در واقع تفسیر آیات شریفه «و نريد ان نمٰن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم السّٰوِثِین» (قصص: ۵) و «إِنَّ الْأَرْضَ لِلّٰهِ يُورِثُهَا مَنْ يَّشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ» (اعراف: ۱۲۸) یعنی هیچ‌وقت ملت‌ها و امت‌ها نباید از گشایش مأیوس شوند، زیرا رهاورد نور امید در جامعه انگیزه، حرکت، نشاط و پویایی است، و در مقابل دلمردگی و افسردگی را از قلوب آحاد افراد می‌زداید، اینها همه، نتیجه‌ی انتظار فرج است. مشروط بر این که، انتظار امیدوارانه توأم با عمل، تلاش، انگیزه و حرکت باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹). خود انتظار فرج و انتظار گشایش، برای انسان یک گشایشی است، زیرا انسان را از حالت یأس و

درماندگی که به کارهای عجیب و غریبی وادار می‌کند، نجات می‌دهد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ (ابن بابویه، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۶۱۰).

انتظار فرج داشته باشید، از رَوْح و رحمت و گشایش الهی مأیوس نشوید. پس در انتظار فرج امید، تحرّک و اقدام وجود دارد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۰۱/۲۱).

همچون انگاره‌ای از امید و انتظار که در ملت ایران به برکت انقلاب اسلامی ایجاد شده است؛ باید به تمامی ملت‌های مستضعف عالم صادر شود. چون دنیای بشری محتاج به انتظار و امید است، که در سایه‌ی آن بتواند کارهای دنیا را اصلاح نماید. اما اگر این امید، در دل‌ها نتابد و همان‌طوری که شیطان‌ها خواستند، ملت‌ها مأیوس بمانند، روزبه‌روز وضع بدتر خواهد شد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱).

انسان برای رسیدن به مقصد دائماً باید مراقب اتمام ذخائر راه باشد، زیرا گاهی دچار بیهودگی، ضایع شدن و گنجی نسبت به آینده می‌شود. برای جلوگیری از فرسایش و کم شدن انرژی و ذخیره‌های دنیوی نیاز به اتصال به منبع لایزال الهی دارد، زیرا اگر ظرف ذخائر وجودی انسان خالی شود، انسان بدون نیل به مقصد، در نیمه‌ی راه می‌ماند. مقام معظم رهبری بر این عقیده‌اند که امید به ظهور و منتظر ظهور بودن، یکی از بزرگ‌ترین دریچه‌های فرج برای جامعه‌ی اسلامی است. زیرا ظرفیت وجودی منتظران از طریق عدم احساس بیهودگی، عدم احساس ضایع شدن و عدم گنجی و گمی نسبت به آینده بالا می‌رود، این چنین امید، نیرو و خط می‌دهد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۰۳/۲۱). برای این‌که از خطر بازماندن از مقصد رهایی یابیم، به چهار راهبرد فزاینده امید از منظر امام خامنه‌ای اشاره می‌شود.

۱. رابطه‌ی قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این رابطه معنوی یک امر مستحسن، بلکه لازم و دارای آثاری است؛ زیرا امید و انتظار را به طور دائم در دل انسان زنده نگه می‌دارد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲).

۲. باور به ظهور مهدی موعود وعده تضمینی الله نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاد این بزرگوار، بر سر زبان‌ها به ما یادآوری می‌کند که طلوع خورشید حق و عدل در پایان این شب ظلمانی، قطعی است. اعتقاد به امام زمان به ما می‌آموزد؛ ایشان وعده‌ی تضمین‌شده‌ی پروردگار است: «الْإِسْلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَ الْعَوْتُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَ عِدًّا غَيْرَ مَكْذُوبٍ» وعده‌ی تخلف‌ناپذیر الهی است. «الْإِسْلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي صَوَّمْتَهُ» (طبرسی،

۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۹۲) از طرف پروردگار ظهور این بزرگوار، وعده‌ای تضمینی است. معتقدین به ظهور ولی عصر و وجود ولی عصر (ارواحنا فداه) هیچ‌گاه دچار ناامیدی و یأس نمی‌شوند، زیرا یقین دارند، که قطعاً این خورشید فاطمی طلوع خواهد کرد و این تاریکی‌ها و این سیاهی‌ها را برطرف خواهد کرد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۰۲/۲۰).

۳. باور به توانستن نگرش توانمند بودن به مهدی باورانی که متعهد و مقاوم هستند؛ قوت قلب، اطمینان و قدرت و امید را بشارت می‌دهد ﴿وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ﴾ (آل عمران: ۱۲۶).

اولین گام استعمار برای تسلط بر کشورهای اسلامی، خالی نمودن توی دل ایشان با تزریق احساس ضعف، احساس عدم توانایی و احساس بی‌پشتوانگی به آنها است، این احساس ضعف ایشان را مستأصل می‌کند که چاره‌ایی ندارند جز زیر بار ظلم امریکا بروند. این احساس ضعف، بلای بزرگ عدم حرکت را نازل می‌کند، چنان‌که ملت فلسطین ده‌ها سال به علت احساس ضعف ساکت و آرام نشسته بودند. فکر توانستن در ملت فلسطین، امید، قیام و حرکت به سمت طلوع خورشید را به وجود آورد. و حرکت به جلو عامل گشایش درهای فرج به روی آنها می‌شود؛ و این چنین راه قطعه قطعه طی خواهد شد تا به هدف نهایی برسند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹).

۴. امید به امدادهای غیبی الهی و اتکاء به خدا ملت‌هایی که در میدان جنگ و در میدان چالش‌های سیاسی استقامت می‌ورزند؛ تاییدات غیبی به سراغ ایشان می‌آید (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹).

انقلاب اسلامی نمونه‌ای بارز از امداد غیبی الهی است چرا که شعاع افعال انسان، یک حدودی دارد، یک نفر ممکن است یک خانه یا یک محله، یا یک شهر را، یک استان را متبدل کند؛ اما انسان نمی‌تواند، سی و چند میلیون جمعیت، با افکار و شغل‌های مختلفه‌ای، همه را دنبال یک مطلب و شعار جمع نماید، و بر آن قدرت‌های بزرگ سلطنتی غلبه پیدا کنند؛ این امر امکان‌پذیر نیست مگر این‌که یک عنایت غیبی در کار باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۵۸/۰۳/۳۱).

۵. اعتقاد به نگاه رؤفانه، نظر و لطف پدرا نه‌ی ولی عصر (ارواحنا فداه) باور به این مهم که انسان تحت نظارت «عین الله ناظره» و نگاه رحیمانه حضرت بقیه الله الاعظم است، امید به طی طریق نمودن با همراهی خضر را سهل و ممکن می‌سازد، و منجر به استکمال وجودی سالک الی الله می‌شود ﴿انْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً رَّحِيمَةً، نَسْتَكْمِلْ بِهَا الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ﴾.

نمونه‌اش در جبهه‌های جنگ جوانان به مدد غیبی و به توجه و نظر لطف ولی عصر (ارواح‌افاده) اعتقاد داشتند این باور و اعتقاد قوت قلب و توانایی مضاعف برای طی نمودن راه به آنان عطاء می‌کرد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۶/۲۹).

۲. اصلاح نفس در بُعد فردی و جمعی

لازمه انتظار فرج مهیا نمودن شرایط ایجاد جامعه‌ی مهدوی است؛ که این امر میسر نمی‌شود مگر با کسب صلاح در معرفت، اخلاق و رفتار در وجود خودمان و دگرسازی محیط پیرامونی از جهت برپایی قسط، معرفت، برادری، علم و عزت (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۰۱/۲۱). این نوع نگرش مصلحانه کاملاً در تضاد با آن رویکردی است که هر نوع قیام فردی و جمعی را در زمان غیبت طرد می‌نمایند، و اصرار بر این نگرش دارند که جهان باید مملو از ظلم و جنایت شود تا به روز ظهور نزدیک شویم.

مقام معظم رهبری بر این عقیده‌اند که در زمان غیبت اگر خود و جامعه را به صلاح نزدیک کنیم، روز ظهور نزدیک خواهد شد. هم‌چنان که شهداء و انقلابیون با فدا کردن جان خودشان و فداکاری‌ها آن آینده موعود را نزدیک‌تر کردند. هر چه ما کار خیر و اصلاح درونی خود و تلاش برای اصلاح جامعه انجام بدهیم؛ آن عاقبت را دائماً نزدیک‌تر می‌کنیم (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۰۸/۲۲).

سؤالی که مطرح می‌شود که چرا تلاش برای اصلاح خود و جامعه ضرورت دارد؟ علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: «غرض از تشریح این قوانین اصلاح نفس بشر است» (طباطبایی، ۱۳۹۲ ق، ج ۲، ص. ۲۲۱). نفس انسان آیه‌ای برای نشان دادن حق است ﴿سُئِرْ بِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّ الْحَقَّ﴾ (فصلت: ۵۳).

در هر عصر و زمانی انسان کامل اعظم آیات الهی است، به تعبیر دیگر نفس انسان کامل آئینه ظهور اسم اعظم الله است. در قرن چهاردهم، بشر منتظر ظهور چهاردهمین نور الهی، پدر صالحین، حضرت ابی‌صالح المهدی (علیه السلام) موعود وعده داده شده در کتاب زیور است. بدین جهت مردمانی که اهل عبودیت و صلاح هستند، یقین دارند که آینده متعلق به حق است ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ، إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ غَائِبِينَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵). لذا براساس این آیه شریفه خود را آماده، منتظر و مترصد حضرت بقیة‌الله‌الاعظم می‌نمایند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص. ۲۲۶) و از آن جایی که منتظران واقعی

باور به وقوع این حادثه‌ی عظیم دارند، لازمه‌ی حضور خود در این رزمگاه را اصلاحات در دو حوزه فردی و اجتماعی می‌دانند.

بدین جهت رهبری عظیم الشان توصیه می‌نمایند، وقتی انسان یقین دارد که در دوران منتظر جهان پر از عدل، حق، توحید، اخلاص و عبودیت خداست، لذا انتظار راستین ایجاب می‌کند که خود را به شکل، هیئت و خلقی که در دوران مورد انتظار، آن خلق، شکل و هیئت متوقع است، نزدیک کند. معرفت به عدل، توحید و عبودیت و پذیرش آن از ویژه‌ترین تکالیف منتظر مترصد است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸). اولین گام اصلاحگران ایجاد موج معرفتی به مبانی و اصول است. چنان‌که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ» (نهج البلاغه، خطبه اول).

این زنگ اخطار برای کسانی است که که خویش را خواهان ظهور حضرت ولی عصر (عج) می‌دانند و امید اصلاح امور را از آن حضرت دارند؛ اما خود اهل جهاد نیستند، در حقیقت، نه منتظر، که منزوی از ایشان است، زیرا می‌خواهد که در این مسیر دچار هیچ رنجی و متحمل هیچ هزینه‌ای نگردد، در حالی که انتظار به معنی آماده‌سازی عده و عده در تمامی زمینه‌ها از جمله جهاد اصغر در مسائل نظامی و علمی، و از آن بالاتر جهاد اکبر با دشمن‌ترین دشمنان یعنی نفس، لازمه‌ی انتظار حقیقی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص. ۱۶۷). شیاطین درونی و بیرونی را نمی‌توان با رویکردی صلح‌آمیز از مصافگاه خارج نمود، بلکه این رزمگاه نیاز به جهاد اکبر و جهاد اصغر فی سبیل الله دارد.

انتظار، مستلزم رویکرد اصلاحات عمل‌گرایانه است، جوان فعال برای احیاء عملیات اصلاح‌گرایانه، طبعاً به عمل فردی اکتفا نمی‌کند. بلکه اصلاحات فردی در گرو تشخیص و بصیرت نسبت به وظایف مصلحانه در محیط جامعه، کشور و جهان است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۲/۲۰).

اهم اصلاحات در بُعد فردی مبارزه با هواهای نفسانی است. و در بُعد اجتماعی احیاء فرهنگ اهل بیت (ع) است. چنان‌که روزی عبدالحمید واسطی در محضر امام و سرور خود، باقر العلوم (ع) شرح حال خویش را بیان کرد؛ او از وقف کردن خود برای ظهور گفت و از ترک دنیا و بازار دنیا؛ امام دل او و دل تمام مهدی‌صبوران تاریخ را قرص کرد و فرمود: آیا فکر می‌کنی اگر بنده‌ای خود را برای ما وقف کند، خداوند راه نجاتی برای او نمی‌گذارد؟! نجات انسان آخرالزمانی وقتی است که مورد رحمت الهی قرار بگیرد از جمله افرادی که اهل بیت (ع) برایش،

طلب رحمت فرمودند، بنده‌ای است که خود را برای اهل بیت علیهم‌السلام و ظهور امام مهدی علیه‌السلام وقف می‌کند و کسی که امر اهل بیت علیهم‌السلام را با نشر کلام ایشان زنده می‌کند «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَيْنَا رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۸۳۳).

وقف زندگی برای ظهور، به معنی رهبانیت و گوشه‌نشینی، بستن چشم، پنبه گذاشتن در گوش، سخن نگفتن، مهدی نوشتن مدام و... نیست. زندگی وقف مهدی علیه‌السلام، زندگی دغدغه‌مند برای جلب گوشه‌چشمی از مولا و جلو انداختن ظهور آل الله است. وقف خودمان یعنی «اول خودمان را نورانی کنیم تا از این طریق مجرای نور برای دیگران شویم، در غیر این صورت نه تنها مفید، بلکه مضر خواهیم بود» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۱۱/۲۵). آن جاده‌ای که انتهایش به خورشید نورانی مهدوی واصل می‌شود، مرکبی برای نورانی شدن نیاز دارد، و آن تقواست. تقوا از منظر رهبری در بُعد فردی یعنی «رعایت کردن تکلیف دینی و دل ندادن به هوس‌ها و شهوات و منحرف نشدن از راه خداست» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۹/۱۱/۱۹) و در بُعد اجتماعی مراد از تقوا یعنی «ملاحظه نمودن قدرت خدا و پروا کردن از او، و ملاحظه نمودن قدرت‌های غیرخدا و ضدخدا و نترسیدن از ایشان، و سعادت و سرنوشت بشریت را در دست آنها ندیدن است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۲/۲۴).

کلام سرشار از نور خدا به مؤمنین وعده حکمرانی بر روی زمین و براندازی رقبای حق داده است. تا جایی که ایده، آئین، فکر و مکتب حق بر جهان خیمه خواهد زد. شرط تحقق این وعده تجهیز به ایمان و عمل صالح است، یعنی طبق تعهدات ایمانی عمل کردن است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، صص. ۱۰۲-۱۰۳). در نتیجه قضای حتمی و سنت تغییرناپذیر الهی در ربودن گوی سبقت در میدان تنازع بقاء از آن مؤمنین صالح خواهد بود، و خلافت زمین در اختیار آنها قرار خواهد گرفت (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۴۰).

«وَلْيَبْذُلْنَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵) کسانی که جمود فکری دارند می‌گویند این وعده مخصوص زمان ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است. شک و تردیدی نیست که مصداق کامل آیه شریفه در زمان حضرت مهدی علیه‌السلام است، اما؛ به چه دلیل آیه محدود می‌شود؟ آیا قرینه‌ای بر انحصار آیه وجود دارد؟ مگر آیات قرآن همیشگی و همه‌جایی نیستند؟ مگر خدا این وعده را درباره مؤمنین صدر اسلام عمل نکرد؟ (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، صص. ۱۰۲-۱۰۳) از سنن و قوانین لایتخلف الهی است که هر زمان و مکانی مؤمنین پایبند به تعهدات ایمانی باشند؛ و ایمان را مزین به اعمال صالح نمایند؛

خدا نیز قطعاً به وعده حاکمیت رساندن ایشان عمل خواهد کرد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۵/۲۸). این چنین نگرش، گرایش و منشی، پیروزی و اعتلاء امت اسلامی را به ارمغان می‌آورد، که همان ظهور عینی وعده غلبه دین حق است ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ (توبه: ۳۳) (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۲/۲۴).

ضرورت اصلاحات فردی و اجتماعی وقتی آشکارتر می‌شود، که معرفت به این مسئله داشته باشیم، یکی از مواضع لغزشگاه انسان در موضع قدرت است، منتظری که امید حضور در دولت کریمه حضرت مهدی (عج) دارد، باید در ابعاد فردی - اجتماعی و داخلی - جهانی لغزشگاه‌ها را شناسایی و به مراقبه و محاسبه نفس در این بزنگاه‌ها بپردازد. چرا که پیلان در این مواضع زمین خوردند مقام معظم رهبری در این باره چنین توصیه می‌نمایند، مصلحین و یاوران حضرت مهدی (عج) باید با قلدرهای جهان و کوه‌های فساد مقابله کنند؛ و برای نجات انسانیت تلاش نماید، چنین نظامی، برای استواری در مقابل دشمن، برای عدم راهیابی ترس در دل، و در آخر برای مقابله با جلوه‌های مادی و عدم لغزش و نفوذ در برابر حب دنیا باید افراد در درون خود درهایی به سوی دعا و ذکر و تضرع باز کند؛ تا بدین طریق بیمه شود. (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۲/۱۲/۷) نماز در بین مجموعه‌ی اذکار درمانگر بیماری‌های جسمی و روحی و فردی و اجتماعی انسان، کلیدی‌ترین عنصر اصلاح جامعه و اصلاح فرد است. تا جایی که خداوند در قرآن کریم اولین شاخصه‌ی حاکمیت مؤمنان بر روی زمین را، برپایی نماز معرفی می‌کند ﴿الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ﴾ (حج: ۴۱).

هر انسانی در درون خود یک نفس با مجموعه‌ی غرائز سرکش دارد، که در صورت بدمستی، مجموعه‌ی ستمگر، مستکبر، تمامیت‌خواه، فزونی‌طلب و بی‌رحم را به وجود می‌آورد؛ که پیامد آنها نیز استضعاف، فقر و گرسنگی است. باید نفس را مهار کرد بدین طریق که زشتی، حقارت و نیازش را در مقابل زیبایی، عظمت و بی‌نیازی مطلق حضرت حق متذکر شد. این مدل مهار نفس از بدی و فحشاء تنها در نماز محقق می‌شود. این چنین به برکت نماز انسان و جامعه‌ی انسانی امنیت پیدا می‌کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۸/۲۹). نماز خوان نمودن یک آدم غافل یا بی‌نماز فقط این نیست که او را به نماز می‌کشانیم؛ بلکه معنایش طراحی و بنیان‌گذاری پایه‌های یک حرکت عظیم جهانی است. که نظام جمهوری اسلامی ستون مستحکم آن است. به طور طبیعی انس قلوب از طریق نماز با خدای متعال دل‌ها را نسبت به گناه حساس و منجر به دفع و رفع گناه می‌شود. و آن حالت تقوایی که در شرع مقدس قوام دینداری است، به تدریج

در انسان حاصل می‌شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۰۶/۲۷). خلاصه آن که در رأس اصلاحات اقامه نماز به صورت فردی و جماعت است، زیرا تنها راه مهار نمودن نفس، دفع و رفع گناه و بنیان‌گذاری پایه‌های حکومت حضرت مهدی علیه السلام به برکت نماز است.

۳. حاکمیت اسلام و قرآن

اصلاحات اجتماعی در صورتی به آرمان حکومت مهدوی خواهد رسید؛ که افراد در قالب نظام حکومت دینی قرار بگیرند. «برای ظهور مهدی موعود (ارواحنافداه) زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود (ارواحنافداه و عجل‌الله فرجه)، به وسیله‌ی ملت ایران برداشته شده است؛ و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰) البته غایت حاکمیت اسلام در جهان است. امام خمینی رحمه الله علیه می‌فرماید:

انتظار فرج انتظار قدرت اسلام است و ما باید بکوشیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور آن شاء الله تهیه شود (موسوی خمینی، ج ۱، ص. ۳۷۴).

مرحله آغازین حاکمیت الهی، دل‌مان را بنده‌ی خدا کنیم؛ خدا را بر دل و بر وجودمان حاکم نمائیم و بعد در سمت ایجاد حاکمیت «الله» بر کل فضای زندگی جامعه و کشور، حرکت کنیم، تا بعد به دنیا برسیم (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸/۰۶/۱۳).

قدرت‌های به ظاهر فکری و به باطن سیاسی مادی اصرار دارند، که اثبات کنند که اسلام به مسائل اجتماعی، مسائل زندگی، مسائل اساسی بشریت همچون مدیریت جامعه، تمدن‌سازی، اقتصاد جامعه، مسئله‌ی جنگ، مسئله‌ی صلح، سیاست داخلی و خارجی، مسائل بین‌المللی، مسئله‌ی اشاعه‌ی خیر، اقامه‌ی عدل، مقابله‌ی با شرور و ظلم و جلوگیری از آشغال‌های عالم، نقشی ندارد؛ بدین نحو اسلام نه مرجع فکری و نه راهنمای عملی است؛ بلکه اسلام عقیده‌ی قلبی و ارتباط شخصی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۰۴/۱۲). لکن اداء حق جامعیت اسلام اقتضاء دارد، که اسلام مدیر جامعه شود، و این همان اسلام سیاسی یعنی اسلامی که سیاست اداره‌ی جامعه را و مدیریت جامعه را برعهده می‌گیرد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵).

ادله اثبات حضور اسلام در تمامی عرصه‌های زندگی بشر عبارت از:

الف) هدف ارسال رسل، اطاعت جمعی و حکومتی است آیه‌ی شریفه‌ی ﴿مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ (نساء: ۶۴) این اطاعت، مطلق است، یعنی تمام امور زندگی - چه زندگی شخصی خصوصی، چه زندگی عمومی - باید به وسیله‌ی دین اداره بشود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۱۲/۰۴).

در قرآن کریم علاوه بر پرداختن به مسائل فردی به مسائل اجتماعی هم اهتمام داشته است، همچون قتال (نساء: ۷۶) اقتصادی (حشر: ۷؛ حدید: ۲۵) امنیتی (احزاب: ۶۰؛ نساء: ۸۳) وقتی اصل همه جانبه بودن اسلام از متون دینی استنباط گردید، معلوم می‌شود، دین منظومه‌ای است که در مورد همه‌ی مسائل فردی و اجتماعی نظر دارد؛ بدین نحو نظام سیاسی دین اثبات می‌شود، لازمه‌ی هر نظام سیاسی وجود فردی مشخص در رأس این جامعه است. در قرآن حداقل در دو جا از پیامبران به عنوان امام نام آورده شده، (انبیاء: ۷۳؛ سجده: ۲۴) یعنی پیغمبر، امام، رهبر و فرمانده جامعه است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۰۸/۰۲). هدف بعثت تحقق نظام سیاسی و هدف نظام سیاسی، تشکیل برنامه‌ها و مناسبات اجتماعی و مناسبات گوناگون بشری است. در این نظام سیاسی، آئین و منبع حکمرانی از کتاب خدا گرفته می‌شود (بقره: ۲۲۳). اجرای دستورات حکمرانی بدون وجود یک مرکز مدیریت و یک فرماندهی، عملیاتی نخواهد شد؛ پس یک مدیریتی لازم است و این مدیریت و این راهبری اساسی مربوط به خود شخص پیغمبر است. یعنی پیامبران موظفند حکمرانی دینی و الهی در جامعه را که محصول بعثت پیغمبران است و با کتاب الهی ارائه می‌شود، اجرا کنند و آن را تحقق ببخشند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱).

ب) اقامه‌ی دین، قیام به قسط، قیام به عدل و حاکمیت الهی، هدف بزرگ ادیان است. سیره عملی ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) نشان می‌دهد، که دنبال حاکمیت الهی، ریاست دین و دنیا و داعیه‌ی خلافت و امامت داشتند؛ در راه این داعیه، کشته شدند، و الا اگر امام صادق و امام باقر (علیهم‌السلام) همچون ابوحنیفه و حسن بصری برای اصحاب خود در یک گوشه‌ای فقط مسائل شرعی می‌گفتند، کسی به آنها کاری نداشت. چنان‌که وقتی سعایت‌گران می‌خواستند، موسی بن جعفر (علیه‌السلام) را به زندان ببرد، این چنین پیش هارون سعایت کردند، آیا برای دو خلیفه خراج جمع می‌شود؟ هارون گفت: برای چه کسی غیر از من؟ گفت: از خراسان و هرات و جاهای مختلف، مردم خمس مال‌شان را پیش موسی بن جعفر می‌برند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۵/۰۳).

ج) دلیل دیگر بر نظم سیاسی دین اسلام، دشمنی کسانی که در سرنوشت جامعه و در گذران

زندگی جامعه نقش داشتند. علت این که سلاطین، طواغیت، قدرتمندان و سیاسیون اول، به مقابله با انبیاء می پرداختند؛ این است که انبیاء به یک نظم اجتماعی و سیاسی نوین؛ غیر از نظام حاکم بر آن جامعه دعوت می کرد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۰۶/۱۹).

د) علماء اسلام از آیات قرآن و معارف اسلامی اصلاحات اجتماعی را برداشت می کنند، چنان که امام خمینی رحمته الله علیه؛ از آیه ی شریفه ی «إِنَّمَا أُعْطِیْكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ وَفَرَادَى» (سبأ: ۴۶) فقط امور فردی چون نماز را استنباط نکردند؛ بلکه امام قیام علیه ظلم و راه اندازی یک نهضت را در سال ۴۱ از این آیه شریفه استخراج نمودند، بعد در طول زمان به وجود انقلاب، پیروزی انقلاب و تشکیل نظام برآمده از انقلاب به این مفهوم قرآنی و اسلامی منتهی شد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۱۲/۰۴).

با ادله فوق، اسلام سیاسی اثبات گشت است، و از شاخصه های اسلام سیاسی، نظام اسلامی است. «نظام اسلامی هم یعنی آن نظامی که مبنی بر هندسه ی الهی برای جامعه است مبنی بر نقشه ی خداست» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۱۲/۰۶).

امتیازات حاکمیت الهی

حاکمیت در اسلام از امتیازاتی برخوردار است، که از بنیاد با حکمرانی های رایج جهان از جهت مبانی معرفتی، معنوی و اجرایی نسبت به مدل های رقیب در جهان متفاوت است، شبیه به حکمرانی از نوع پادشاهی و سلطنت، ریاست جمهوری ها، فرماندهی ها، رؤسای کودتاگر نیست. «سبک حکمرانی اسلامی متکی به مبانی معرفتی و معنوی همچون مردمی بودن، دینی بودن، اعتقادی بودن... متکی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۱۲/۱۹).

تفاوت حاکمیت الهی با مدل های جهانی از سه خاستگاه معنوی، حاکم و مردم قابل بررسی است:

یک) از جهت معنوی: حاکمیت در اسلام مشروعیت را از الله اخذ می نماید. زیرا فی نفسه هیچ انسانی حق حاکمیت بر سایر انسان ها را ندارد، مگر اذن از طرف پروردگار داشته باشد. بدین جهت مقام معظم رهبری بر این عقیده اند حاکمیت در اسلام صبغه ی معرفتی، معنوی، اعتقادی و دینی دارد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۱۲/۱۹).

دو) از جهت حاکم: یعنی ولایت و حکومتی که در آن حاکم در عین وجود اقتدار، عزت، عزم و تصمیم قاطع، هیچ نشانه ای از استبداد، خودخواهی، خودرأیی، زیاده طلبی، آشرافی، اسراف،

تبذیر، ظلم و ستم متکی نیست است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۱۲/۱۹؛ ۱۳۷۸/۰۱/۱۶). زیرا به محض بروز این رذائل از مقام حاکمیت خلع و مشروعیت الهی خود را از دست خواهد داد. چنان که معلوم گشت شرایط حاکم در اسلام نقطه مقابل سلاطین مادی و حکومت‌های بشری است، که صفات خودکامگی، اشرافیت و ظلم و ستم عدم مشروعیت الهی و عدم ضمانت اجرایی از نشانه‌های حکومت‌های بشری جدای از فرامین الهی است.

سه) از جهت جایگاه مردم: در حاکمیت الهی از مهم‌ترین شاخص‌های آئین حکمرانی در اسلام سیاسی، مردمی بودن حکومت است البته نه به معنایی که در دموکراسی‌های غربی بیان می‌شود، زیرا حکومت مردمی در اسلام در تقابل حکومت خدا نیست، در اسلام حکومت «الله» با حاکمیت مردم بر سرنوشت خود منافاتی ندارد. حکومت مردم به همان اندازه‌ای است که بر طبق فرمان خدا به مردم اجازه و امکان تصمیم‌گیری و اقدام داده شده است و لذا در قرآن درباره‌ی بنی‌اسرائیل می‌فرماید: «وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً» (قصص: ۵) یعنی حکومت، حکومت مستضعفان است. و این منافاتی ندارد که حکومت مستضعفان به معنای حکومت خدا و در چهارچوب احکام الهی باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۲/۰۵/۱۴).

علاوه بر این فقط در حاکمیت دینی است که با ابزار اراده‌ی مردم، همراه با عشق و شور، با ارادت و با اخلاص در مقابله‌ی با دشمن بسیج می‌شوند. در حالی که نگرش‌های حزبی و مکتبی در دنیا از این ارزش‌ها تهی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸/۰۴/۱۰).

پس تفکر دینی از دو جهت تهدید برای دشمنان اسلام است:

یک) راه نفوذ دشمنان را در ساختار حکومتی سد می‌کند؛

دو) حاکمیت الهی از پشتوانه مردمی توأم با ایمان، عشق و شور برخوردار است. این پشتوانه از دادن جان به خاطر اهداف الهی نه تنها ترس ندارد، بلکه مشتاقانه دنبال شهادت می‌دوند. این ارزش‌ها و سرمایه مردمی در هیچ مکتبی وجود ندارد. بدین جهت دشمنان اسلام درصددند که بین اعتقادات دینی و دفاع، حضور و اراده مردم انفکاک ایجاد کنند.

سؤالی که مطرح است چرا بدخواهان حاکمیت اسلام و مهندسی سیاسی اسلام اصرار بر جدایی دین و سیاست دارند؟ چون می‌دانند اسلامی قادر به قلع و قمع ظلم و استکبار و مانع تجاوز و تعدی ایشان می‌شود؛ که دارای نظام و دولت باشد، مجهز به نیروی نظامی، صدای بلند رسانه‌ای، سیاستی همه‌جانبه، اقتصادی کارآمد باشد. خلاصه آن که مجهز به تمامی ابزارها

نظام‌سازی و حکومت‌سازی باشد، و اگر جریان‌های اسلامی به سمت هدف حکومت پیش نروند، چون منفعلند؛ هیچ خطری برای استکبار ندارند. بنابراین اسلام فعال، قادر بر مقابله و مقاومت در مقابل جبهه‌ی کفر، به سرنوشت قطعی و تخلف‌ناپذیر ظهور برکفر نائل می‌آید. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا» (فتح: ۲۸) (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶). نتیجه آن که اگر جامعه اسلامی در عصر غیبت قوانین الهی و قرآن کریم را حاکم نمایند، قطعاً با توجه به وعده‌ی الهی حق به صورت غالب ظهور پیدا خواهد کرد.

خداوند به مؤمنین وعده حکمرانی بر روی زمین در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه داده است. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵) (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، صص. ۱۰۲-۱۰۳). برای این که منتظران ظهور به فرج نهایی و ظهور حق بر باطل فائق آیند، باید در زمان غیبت اسلام سیاسی را فعال نمایند، به تعبیر دیگر مدیریت سیاسی به دست دینداران باشد، تا این چنین زمینه حاکمیت جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه را فراهم آورند. کسانی که مدعی یآوری مهدی موعود را دارند، باید در زمان غیبت با مستکبران و قلدران جهان در تقابلی همه‌جانبه باشند، و تنها در صورت حاکمیت اسلام، این چنین قدرت و اقتداری پیدا می‌کنند، و در مراحل بعد توانایی اقامه‌ی نماز و گسترش عبودیت و معنویت، مدیریت مالی و نفی فاصله‌های طبقات اجتماعی پیدا می‌کنند و در آخر مهم‌ترین فرع دین یعنی، امر به معروف. و نهی از منکر اقامه نمایند «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» (حج: ۴۱) «معروف عبارت از عدالت، انصاف، برادری، ارزش‌های اسلامی است؛ منکر همان ظلم، فساد، تبعیض، بی‌انصافی، عدم اطاعت الهی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۱/۰۴/۰۷). امر به معروف بودن و ناهی از منکر در موارد فوق، لازمه‌اش قدرت براساس مهندسی الهی است. مخصوصاً اگر وسعت امر به معروف و نهی از منکر به گستره جهان باشد، ضامن اجرای این اصل حاکمیت الله در جامعه است. در غیر این صورت باید به اسلام حداقلی اکتفاء کرد. در حالی که «مطالبه‌ی اسلام از مسلمین، ایجاد نظام اسلامی به نحو کامل است؛ مطالبه‌ی اسلام، تحقق کامل دین اسلام است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱).

معلوم شد مدل حاکمیت الهی از جمله نوآوری‌های اسلام است، که با جهاد تبیین در این حوزه می‌توان خود را در مقابل دشمن به مرحله قدرت بازدارندگی رسانید. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «اکنون یکی از مهم‌ترین سلاح‌های جدید ما در جهاد تبیین آئین حکمرانی اسلامی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۱۲/۱۹). اگر جهادگران تبیین با قلم و زبان خود با قوت و قدرت تبیین نمایند، دیگر شیاطین خناس نمی‌توانند شبهه دیکتاتوری بودن نظام الهی را بر سر زبان‌ها جاری سازند و آن را به حاشیه کشانند.

نتیجه‌گیری

براساس نظام فکری مقام معظم رهبری عواملی منجر به نزدیک شدن زمان ظهور می‌گردد، که حاکمیت قرآن و اسلام در سرتاسر عالم از مهم‌ترین این عوامل هست، تا آن جایی که غایت منتظران در انتظار حداکثری همان حاکمیت قرآن و اسلام در سرتاسر عالم است، غلبه اسلام بر تمام رقبا امکان‌پذیر نیست، مگر آن‌که از جهت نگرش ایمان داشته باشیم، که در نهایت حق غالب و پیروز خواهد شد، امید و یقین به این امر و ارتباط قلبی و لسانی با حضرت مهدی (عج) به صورت فزاینده‌ای بشر را به آن آینده قطعی نزدیک خواهد کرد. و از جهت کنش منتظران گام اول خود را بر اصلاحات فردی و اجتماعی تمرکز نمایند، زیرا تلاش برای ایجاد جامعه مهدوی مستلزم کسب معرفت و اخلاق در وجود خودمان و دگرسازی محیط براساس قسط، علم و عزت است. صلاح فردی و اجتماعی تنها در نظام سیاسی حکومت دینی میسر است، در این ساختار الهی اصلاحات در ابعاد استواری در مقابل دشمن، مقابله با جلوه‌های مادی، عدم راهیابی ترس در دل مؤمنین ممکن می‌شود. کلیدی‌ترین عنصر اصلاح در ساختار نظام دینی در نماز خلاصه می‌شود، نماز نیز منجر به دفع و رفع گناه و بنیان‌گذاری پایه‌های حرکت عظیم جهانی مهدی موعود (عج) می‌شود، و این چنین به زمان فرج قرب پیدا می‌کنیم. منتظران با شکستن حصار انتظار فردی، توانسته‌اند انتظار متعهدانه را به انتظاری جمعی و جهانی مبدل سازند. این امر مهم تنها در لوای اسلام سیاسی و مهندسی الهی محقق می‌شود، و این چنین در سایه نظام سیاسی می‌توان زمینه حاکمیت جهانی مهدی موعود (عج) را فراهم آورد. و از همه مهم‌تر به وسعت جهان، امر به معروف یعنی عدالت، انصاف، برادری و ارزش‌های اسلامی گسترش داد، و نهی از منکر نمود؛ با ظلم، فساد، تبعیض، بی‌انصافی، عدم اطاعت الهی مبارزه نمود. در غیر این صورت باید به اسلام حداقلی اکتفاء کرد، در حالی که مطالبه‌ی اسلام از مسلمین، ایجاد نظام اسلامی حداکثری است، که مهم‌ترین عامل نزدیک شدن به آینده موعود

است.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- _ ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۶ق). *الخصال*. قم: مؤسسة النشر الإسلامی (جامعه مدرسين حوزه علمیه قم).
- _ ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- _ آیتی، نصرت‌الله. (۱۳۹۰). زمینه‌سازی ظهور؛ چیستی و چگونگی. *مشرق موعود*، ۵ (۱۹)، ۱۹-۶۱.
- _ بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۵ق). *البرهان فی تفسیر القرآن الکریم*. قم: مؤسسة البعثة.
- _ جوادى آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). *امام مهدی عجل الله تعالی فرجه موجود موعود* (سید محمدحسن مخبر، محقق). قم: اسراء.
- _ حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۹). *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن کریم*. تهران: موسسه ایمانی و جهادی.
- _ حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۲). *انسان ۲۵۰ ساله*. قم: صهبا.
- _ حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۴۰۰). *همزمان حسین: ده گفتار در تحلیل مبارزات سیاسی امامان معصوم علیهم السلام*. تهران: انقلاب اسلامی.
- _ طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان* (سید محمدباقر موسوی همدانی، مترجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی (اثر اصلی در سال ۱۳۹۲ ق منتشر شده است).
- _ طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۸۸). *بررسی‌های اسلامی*. قم: بوستان کتاب.
- _ طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). *الاحتجاج*. مشهد: نشر المرتضی.
- _ طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۱ق). *الغیبه* (عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، محقق). قم: دارالمعارف الإسلامیه.
- _ طوسی، محمد بن محمد. (۱۴۰۷ق). *تجريد الاعتقاد* (محمد جواد حسینی جلالی، محقق). تهران: مرکز النشر التابع للمکتب الاعلام الاسلامی.

- _ فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۰۶ق). *الوافی*. اصفهان: مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علی (ع) العامه.
- _ کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۳۰ق). *الکافی* (مرکز بحوث دارالحدیث، محقق). بی‌جا: دارالحدیث.
- _ مرکز صهبا. (۱۳۹۱). *دغدغه‌های فرهنگی: شرحی مزجی بر یکی از بیانات محوری مقام معظم رهبری*. تهران: موسسه ایمان جهادی.
- _ مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۱). *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی* (غلامرضا متقی‌فر، تحقیق و نگارش). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- _ مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- _ موسوی خمینی، سیدروح‌الله. (۱۳۹۵). *صحیفه امام: مجموعه آثار*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _ سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای: <https://khamenei.ir>.